

یادداشت

ریشه ادامه چالش‌های اقتصادی



مرتضی افقه

کارشناس مسائل اقتصادی

آیادولت از توان و ظرفیت لازم برای مهار چالش‌های جدی و پر شمار اقتصاد کشور برخوردار است؟ آیا اولویت‌گذاری‌های دولت در سالجاری، منجر به کاهش مشکلات خواهد شد؟ این سوالات و مشابه آنها از دغدغه‌های اصلی کارشناسان و حتی افکار عمومی است. پیش از ورود به این بحث بیان چند نکته مقدماتی ضروری است؛ بعد از شکست توافق برجام که رقابت‌های سیاسی داخلی هم از عوامل تأثیرگذار آن بود و تشدید تحریم‌ها در ابتدای سال ۹۷، بخش قابل توجهی از درآمدهای بودجه از طریق عدم امکان فروش نفت از بین رفت. علاوه بر تحریم فروش نفت، در تجارت کالاهای غیرنفتی و نیز ارتباطات مالی و بانکی با جهان خارج نیز محدودیت‌های بی‌سابقه‌ای تحمیل شد. قابل انتظار بود که این میزان محدودیت برای اقتصاد که به شدت به تجارت خارجی اش وابسته است، مشکلات معیشتی و رفاهی جدی برای مردم ایجاد می‌شد. دولت وقت (روحانی) برای جبران درآمدهای نفتی ناچار به تأمین کسری بودجه از طریق استقراض (فروش اوراق قرضه و از بانک مرکزی) گرفته تا فروش اموال و شرکت‌های دولتی متوسل شد. با اتمام منابع موجود برای جبران کسری بودجه ناشی از حذف درآمدهای نفتی، قابل انتظار بود که شرایط اقتصادی کشور دشتوارتر گردد. با استقرار دولت رئیسی در سال ۱۴۰۰، انتظار آن بود که دولت شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور را درک نموده و کابینه‌ای توانمندتر، با تجربه‌تر و با تخصص‌های لازم معرفی نماید، به خصوص آنکه پیش از استقرار، با وعده‌های حیرت‌انگیز، توقع زیادی در بین طرفداران خود ایجاد نموده بود. نیاز به مرور وعده‌های نشدنی اعلام شده نیست، اما ادعای حل مشکلات معیشتی مردم بدون رفع تحریم‌ها، کاملاً قابل تردید بود. اما با معرفی کابینه‌ای که تجربه مشخص شد که انتظار حل مشکلات اقتصادی حتی با رفع تحریم‌ها نیز انتظار نایجابی است. لازم به تأکید است که مجلس فعلی که همسوا با دولت جدید بود نیز به دلیل تأیید اعضای کابینه، در ایجاد مشکلات اقتصادی امروز شریک است و زست‌های متفادگانه و بیگانه مجلسیان، مساله را تغییر نمی‌دهد. ضعف و ناتوانی کابینه وقتی بیشتر نمایان شد که دولت و مجلس در کمترین دو سال ناچار شدند بیش از ده وزیر و مسئول ارشد اقتصادی را تغییر دهند. در طول سه سال گذشته، دولت با تصوراتی نه چندان واقع‌بینانه تلاش کرده و وعده‌های خود را عملیاتی کند. از جمله اقدامات دولت در این راستا عبارتند از: تمرکز بر تجارت با کشورهای همسایه، توسل به توافقنامه‌های منطقه‌ای، افزایش بی‌سابقه روابط تجاری با کشورهای چین و روسیه، تمرکز شدید بر کاهش نقدینگی به عنوان مهمترین عامل تورم. با این وصف، کمترین نشاندهنده موفقیت این روش‌ها در حل مشکلات اقتصادی کشور وجود ندارد. بعد از گذشت نزدیک سه سال وقتی تفکیر منابع درآمدی دولت به ته دیگ رسید (فروش اوراق قرضه، فروش شرکت‌های دولتی، فروش اموال مازاد، و احتمالاً برداشت از صندوق توسعه ملی)، برخلاف وعده داده شده دولت متوجه سفره مردم شد. اولین اقدام در تنگ‌کردن سفره مردم، حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی بود. این در حالی بود که من و برخی متخصصین اقتصاد، هشدارهای مکرر در مورد تبعات سخت این اقدام برای مردم را داده بودیم. با این وصف، این اقدام نام تکراری جراحی اقتصادی (که به رغم شکست دو جراحی به اصطلاح اقتصادی پیشین) انجام شد که حاصل آن افزایش طوفانی قیمت ارز و نرخ تورم بود. نکته دیگری که در تحلیل‌های اقتصادی باید در نظر گرفت آن است که برخلاف تصور رایج، وضعیت اقتصاد کشور تنها به سیاست‌های چند مسئول اقتصاد (وزیر اقتصاد، رئیس بانک مرکزی، و رئیس سازمان برنامه و بودجه) محدود نمی‌شود، بلکه سیاست‌ها و اقدامات اغلب وزرا در تحولات اقتصادی تأثیرگذار است. بدون تردید همه وزرای تولیدی (صنعت و معدن و تجارت، کار و رفاه، نفت) و نیز وزرای راه و شهرسازی، ارتباطات، و از همه مهم‌تر امور خارجه (به دلیل وابستگی شدید اقتصاد کشور به فروش نفت و تأمین نیازهای بخش مصرف و تولید از خارج، و بنابراین به مطلوب بودن روابط سیاسی و تجاری و اقتصادی کشور) بستگی تام دارد. نکته سوم آنکه، علاوه بر کابینه و تیم اجرایی، نوع اولویت‌بندی دولت نیز بر حل مشکلات اقتصادی کشور تأثیرگذار بوده و هست. مرور بیشتن و تکرار اصولگرایان نشان می‌دهد که مهمترین دغدغه و اولویت این گروه، موضوعات ایدئولوژیک و سیاسی است و رشد و رفاه اقتصادی در رفق مشکلات معیشتی مردم در اولویت بعدی در این گروه است. این مهم‌ها از نوشته‌ها و خطابه‌ها و شعارها، که از تخصص منابع و ردیف‌های بودجه قابل تشخیص است. بنابراین، در چنین ساختاری از رتبه‌بندی اولویت‌ها آن هم در شرایط تشدید تحریم‌ها، حل مشکلات معیشتی و رفاهی انتظاری ناه‌جا خواهد بود. حاصل آنکه، در اولویت نبودن رفاه اقتصادی، مداوم تحریم‌ها، تداوم ساختارهای ناکارآمد مدیریتی و... منجر به ناکامی‌های متعدد در سیاست‌های داخلی و خارجی شده است که خود موجب تداوم فقر و نابرابری و بیکاری و مهاجرت نخبگان و خروج سرمایه‌های مالی از کشور شده است. جالب آنکه اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به افزایش تعداد فقرا اشاره کرده است که موجب اختلاف شدید بین مجلس و دولت در رسانه‌ها شده است. البته باید تأکید کرد که مجلس به دلایل پیش گفته (در همسویی و همراهی و تأیید دولت) و تعیین اغلب مدیران و مسئولان اجرایی کشور در استان‌ها و شهرستان‌ها از طریق لابی نمایندگان) خود در وضعیت و شرایط موجود همراه و شریک دولت است و اینگونه زست‌ها را رفع مسئولیت مجلسی‌ها نمی‌شود.



زهرا نژادبهرام در گفت و گو با «آرمان ملی»:

شورای شهر نسبت به زاکانی در گوشه رینگ قرار گرفته است

شهروندان تهران از تبلیغات شهری

انرژی مثبت دریافت نمی‌کنند

توسعه نیافتگی در عمق محلات تهران

قابل مشاهده است

آرمان ملی - احسان انصاری: مدیریت شهر تهران در دوران زاکانی هر روز با حاشیه جدیدی مواجه بوده است. پس از ماجرای جنجالی ساخت مسجد در پارک قیصریه به نازگی اخباری مبنی بر ساخت فرهنگسرا در پارک لاله تهران نیز مطرح شده است. این در حالی است که مکان‌های زیادی برای ایجاد مسجد و فرهنگسرا وجود دارد و مشخص نیست چرا شهرداری پارک‌های تهران را که بیست‌هایی برای افزایش نشاط اجتماعی و کاهش آلودگی هوا هستند به عنوان مکان ساخت و سازهای خود انتخاب کرده است. از سوی دیگر ساخت و سازهای عجیب و تغییر کاربری‌های عجیبی در سطح شهر تهران به وجود آمده که با سوالات زیادی مواجه است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی شهر تهران با مدیریت زاکانی و حواشی ایجاد شده با دکتر زهرا نژادبهرام، عضو شورای شهر پنجم تهران گفت و گو کرده است. خانم نژادبهرام معتقد است: «شهرداری تهران در ابتدا به سراغ پارک قیصریه رفت تا در آنجا مسجد بسازد. پس از آن به بهانه ساخت فرهنگسرا در پارک لاله حصارکشی صورت گرفته است. بر اساس مصوبات قبلی شورای شهر تهران پارک‌های شهر تهران باید نمازخانه داشته باشد. اینکه پارک‌های سطح شهر باید نمازخانه داشته باشند به معنای این نیست پارک‌ها باید مسجد داشته باشند و یا اینکه در پارک‌ها مسجد ساخته شود. من فکر می‌کنم در پشت این اقدامات اندیشه‌های دیگری وجود دارد که بیشتر اندیشه اقتصادی و اقتصاد سیاسی است. اندیشه‌های اقتصادی چنین طرح‌هایی به این معناست که ساخت و سازهایی در پارک‌ها صورت می‌گیرد و پس از مدتی از این ساخت و سازها استفاده تجاری می‌شود. نمونه این وضعیت را در شرایط کنونی در میدان فرهنگ در سعادت آباد داریم که در یک بوستان محلی ساخت و ساز صورت گرفته و پس از مدتی به گل فروشی تبدیل شده و در شرایط کنونی چندین غرفه در پارک در حال گل فروشی هستند. واقعیت این است که شهرداری تهران با اقدامات خود در حال به چالش کشیدن حداقل ریه‌های تنفسی شهر تهران است.» در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

رویکردی که زاکانی در مدیریت شهر تهران در پیش گرفته در چه زمینه‌هایی مطلوب بوده و در چه زمینه‌هایی به شهر تهران آسیب زده است؟
ارزینایی کلی من از دوران مدیریت آقای زاکانی در شهرداری تهران اگر قرار باشد از ۱۰ یک نمره به ایشان بدهم زیرا است. اتفاقی که در شهرداری تهران در دوران مدیریت زاکانی رخ داده ساخت و سازهای عجیب و غریب و تغییر کاربری‌هاست. مصوبات کمیسیون ماده پنج، پنهانی بودن آنها و انتشار آنها پس از ماه‌ها جای سوالات زیادی را به وجود آورده است. شورای چهارم رویکردی در پیش گرفت تا همه چیز در مدیریت شهر تهران شفاف باشد تا از هرگونه دخل و تصرف و اقدامات غیرقانونی جلوگیری کند. این در حالی است که این رویه در دوران مدیریت زاکانی در شهرداری تهران زیر سوال رفته است. شرایط به شکلی است که حتی در شهرهای عالی شهرسازی را نیز به کمیسیون ماده پنج دعوت نمی‌کنند. برای من عجیب است که چگونه شهرداری تهران تا به این اندازه دست به تغییر کاربری زده در حالی که نهادهای نظارتی که موظف به رسیدگی به این موضوع هستند اقدامی در این زمینه نمی‌کنند. نکته مهم‌تر اینکه شورای شهر تهران نیز که بر اساس قانون وظیفه نظارت بر عملکرد شهرداری تهران را دارد، نیز سکوت کرده و نسبت به اقدامات شهرداری تهران بی‌تفاوت عمل می‌کند. مسأله مهم دیگر شهری است که به دلیل آلودگی هوا کمبود امکانات برای حمل و نقل عمومی شهرداری به شکلی عمل می‌کند که حداقل‌های تنفسی شهر را با چالش مواجه کرده است. این در حالی است که شنیده‌ها حکایت از آن دارد که قرار است از متانول بنزین شیمیایی تولید شود که در صورتی که چنین اتفاقی رخ بدهد وضعیت آلاینده‌های شهر تهران افزایش پیدا خواهد کرد.

یکی از شعارهای آقای زاکانی در شهرداری تهران مشارکت مردم در امور اجتماعی شهر تهران بوده است. زاکانی از طرح این شعار چه اهدافی را دنبال می‌کند و این شعار در عمل به چه میزان محقق شده است؟

یک زمان موضوع مشارکت مردم در مدیریت شهری جزئی از دغدغه شهرداری است و به همین دلیل سازوکار آن را ایجاد می‌کند تا محقق شود. اما زمانی این موضوع بیشتر جنبه شعاری و نمایشی دارد. آقای زاکانی در ابتدا تلاش کردند با پروژه‌هایی مانند «من شهردارم» در زمینه‌های مختلف شهری مردم را با خود همراه کنند. این وجود در عمل با یک سکوت عجیب مواجه شدیم. من مخالفتی با این طرح ندارم و با آن همراه هستم. با این وجود معتقدم چنین طرح‌هایی باید به عنوان بسترهای کار در شهرداری تهران تبدیل شود. در شورای شهر پنجم طرح‌هایی مانند برنامه ریزی‌های مشارکتی و بودجه‌ریزی‌های مشارکتی در دستور کار قرار گرفت و در این زمینه نیز تلاش‌های زیادی نیز انجام دادیم. ما حتی موفق شدیم در دور پنجم شورای شهر انتخابات شورایاری را نیز برگزار کنیم. این در حالی است که در شرایط کنونی مشارکت شهروندان در فعالیت‌های مرتبط با شهرداری گرفته نمی‌شود و در این زمینه نهادینه سازی صورت نمی‌گیرد. اتفاق مهمی که رخ داده است که ما توسعه را به صورت نامتوازن در سطح شهر تهران رشد داده‌ایم اما عدم توسعه در عمق محلات تهران قابل مشاهده است. به همین دلیل برای اینکه بتوانیم توازن را در شهر تهران ایجاد کنیم نوعی توسعه متوازن را برای شهر تهران در نظر بگیریم. تنها راه نیز این است که توسعه به عمق محلات

در روزهای اخیر اخباری مبنی بر ساخت و ساز در پارک لاله نیز مطرح شده است. شهرداری تهران با چنین اقداماتی چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

شهرداری تهران ابتدا به سراغ پارک قیصریه رفت تا در آنجا مسجد بسازد. پس از آن به بهانه ساخت فرهنگسرا در پارک لاله حصارکشی صورت گرفته است. بر اساس مصوبات قبلی شورای شهر تهران پارک‌های شهر تهران باید نمازخانه داشته باشد. اینکه پارک‌های سطح شهر باید نمازخانه داشته باشند به معنای این نیست پارک‌ها باید مسجد داشته باشند یا اینکه در پارک‌ها مسجد ساخته شود. من فکر می‌کنم در پشت این اقدامات اندیشه‌های دیگری وجود دارد که بیشتر اندیشه اقتصادی و اقتصاد سیاسی است. اندیشه‌های اقتصادی چنین طرح‌هایی به این معناست که ساخت و سازهایی

اختلاف در مدیریت شهری و بین شهرداری و شورای شهر طبیعی است و در همه جا نیز وجود دارد. با این وجود اتفاقی که در شورای شهر ششم تهران رخ داده این است که این اختلافات تشدید شده است. بدون تردید تشدید این اختلافات پیامدهای مثبتی برای شهر به همراه نخواهد داشت. شاید بی‌توجهی شهرداری تهران به رویکرد نظارتی و تقنینی شورای شهر یکی از دلایل اصلی این اتفاقات است

تبلیغاتی که در دوران آقای زاکانی در سطح شهر تهران وجود دارد نسبت به گذشته متفاوت است و رویکرد خاصی را دنبال می‌کند. من هم موافقم که باید برخی رویکردهای ملی را در سطح شهر تبلیغ کرد، اما انتظار می‌رود تبلیغاتی که در این زمینه صورت می‌گیرد شهری و مرتبط با مسائل شهروندی داشته باشد و رویکرد اطلاع‌رسانی داشته باشد

وارد شود. این موضوع در دوره‌های چهارم و پنجم شورای شهر در دستور کار قرار گرفت و حتی در دوره پنجم عملیاتی شد. با این وجود در دوره ششم آثاری از این رویکرد مشاهده نمی‌شود. این در حالی است که برخی از اعضای شورای شهر از مدیران شهرداری و مدیران اجرایی شهر تهران بوده‌اند و به خوبی با این مسائل درگیر هستند.

یکی از رویکردهای زاکانی در مدیریت شهر تهران تبلیغاتی بوده که به صورت گسترده در زمینه‌های مختلف اجرایی‌کند. دیدگاه شما درباره این نوع تبلیغات چیست؟
تبلیغاتی که در دوران آقای زاکانی در سطح شهر تهران وجود دارد نسبت به گذشته متفاوت است و رویکرد خاصی را دنبال می‌کند. من هم موافقم که باید برخی رویکردهای ملی را در سطح شهر تبلیغ کرد اما انتظار می‌رود تبلیغاتی که در این زمینه صورت می‌گیرد شهری و مرتبط با مسائل شهروندی داشته باشد و رویکرد اطلاع‌رسانی داشته باشد. این در حالی است که ورود شهرداری تهران به مسائل سیاسی چهره شهر را سیاسی کرده و بین ظرفیت‌های مدنی شهر فاصله انداخته است. به همین دلیل معتقدم شهرداری باید در این رویکرد تجدید نظر کند. شهرداری تهران باید در تبلیغات شهری به شهروندان انرژی مثبت بدهد در حالی که در شرایط کنونی شهروندان از رویکردی که شهرداری در پیش گرفته انرژی مثبت دریافت نمی‌کنند.

در جلسه اخیر شورای شهر برخی از اعضای شورای شهر تهران در حین سخنرانی شهردار جلسه را ترک کردند. آیا شکاف بین اصولگرایان در مدیریت شهری ایجاد شده است؟

اختلاف در مدیریت شهری و بین شهرداری و شورای شهر طبیعی است و در همه جا نیز وجود دارد. با این وجود اتفاقی که در شورای شهر ششم تهران رخ داده این است که این اختلافات تشدید شده است. بدون تردید تشدید این اختلافات پیامدهای مثبتی برای شهر به همراه نخواهد داشت. شاید بی‌توجهی شهرداری تهران به رویکرد نظارتی و تقنینی شورای شهر یکی از دلایل اصلی این اتفاقات است. واقعیت این است که اگر شورای شهر نتواند توازن قدرت را در مواجهه با شهرداری برای خود حفظ کند همواره در موضع ضعف و گوشه‌ریزی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد این اتفاق در شرایط کنونی رخ داده و تصویری که از مدیریت شهری به چشم می‌خورد در چنین وضعیتی قرار دارد.

همه این اتفاقات به این دلیل است که زاکانی مسیر خود را «بهشت» به «پاستور» ترسیم کرده است؟
مسیر بهشت به پاستور همواره در ایران وجود داشته و افراد زیادی تلاش کرده‌اند از شهرداری تهران به ریاست جمهوری دست پیدا کنند. آقای زاکانی نیز با توجه به اینکه در انتخابات اخیر ریاست جمهوری نیز کاندیدا بوده‌اند احتمالاً به دنبال این هستند که از مدیریت شهر تهران در راستای دغدغه‌های سیاسی خود استفاده کنند. با این وجود اینکه دغدغه‌های شهروندان تهرانی کنار گذاشته شود و هدف اصلی رسیدن به پاستور باشد کم لطفی به شهروندان خواهد بود و نباید چنین وضعیت وجود داشته باشد. در این زمینه من بیش از اینکه از شهرداری انتظار داشته باشم از شورای شهر انتظار دارم که نماینده مردم هستند و شهردار توسط آنها انتخاب شده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد نظارت شورا در این زمینه ضعیف است.